

موشک‌های استراتژیکی که از روسیه

دفاع می‌کنند

در نزدیکی شهر نیژنی تاگیل یک «مربع سبز» با مساحت دهها کیلومتر قرار گرفته است. آنجا در میان درختان بلند صنوبر بر روی سکوه‌های سیار پرتاب، موشک‌های صدتنی «توپول» پنهان شده‌اند. تعداد آنها اعلام نمی‌شود ولی این تعداد کم نیست. این موشک‌های هسته‌ای قاره‌پیما، وسیله اساسی دفاع از روسیه در برابر دست‌درازی‌های مسلحانه از خارج است. در جنگل تایگای این منطقه می‌توان از بالا راه بتنی را دید که دور از هرگونه مسکن انسانی می‌گذرد. گاهی اوقات یدک‌کش عظیمی با چماق چندین تنی هسته‌ای از روی این راه حرکت می‌کند...

ماشین ما در یکی از راه‌های اصلی محصور با چند ردیف استحکامات با سیم خاردار می‌گذرد که پشت آن میدان هلیکوپتر و زره‌پوش‌های سرویس محافظت دیده می‌شوند. بالاخره به انبارهای بزرگ رسیدیم. فرمانده امر می‌دهد: «سیگار نکشید!». ما بزودی به «غولی» نزدیک می‌شویم که به وسیله رنگ مخصوص از دید دشمن پنهان شده است. کلاهک بالای اطاقک قرار گرفته است: در داخل آن در دستگاه ویژه تأمین حرارت مستمر، خرج هسته‌ای با ظرفیت صدها برابر بمب هیروشیما طی سالها نگهداری می‌شود.

این موشک در حالت کشیک نظامی قرار دارد و در صورت دریافت دستور مربوطه می‌تواند در عرض چند ثانیه از طریق درهای باز شونده انبار مخصوص به آسمان پرواز کند. ما از نزدیک به این سیگار رنگارنگ نگاه می‌کردیم ولی آمریکایی‌ها از بالا از روی ماهواره‌های خود حتماً با علاقه ما را مشاهده می‌کردند. ما در جواب به‌عنوان سلام به «دوستان» ماورای اقیانوسی دست خود را تکان دادیم. واحد موشکی دائماً تحت نظارت آنها قرار دارد و آنها از بالا کوچکترین حرکتهای روی زمین را زیر نظر دارند. شکی نیست که سفر اخیر ما هم مورد توجه آنها قرار گرفت. البته، طرف روسی مطابق با قراردادهای موجود، آمریکایی‌های ناباور را



از هرگونه جابجایی موشکها مطلع می‌سازد که آنها دربارهٔ نیت ما سوءظن نکنند. البته، دشمنان فرضی سابق بارها مهمان این لشگر بودند و یدک‌کشها، موشکها و کلاهکها را دیده‌اند. سالی حدود پنج سفر بازرسان انجام می‌گیرد. زیاد نیست؟

شهرک فضایی

حدود ۳۸ سال پیش در جنگلها و باطلاهای محلی اسلحه اساسی بازدارندگی قرن جاری - موشک‌های بالستیکی قاره‌پیما - مستقر شدند که در آن زمان در چاههای عمیقی قرار داشتند که بر اثر اصابت مستقیم کلاهکهای دشمن نیز از کار نمی‌افتادند. خیلی عمیق زیر خاک می‌رفتند. خرج ایجاد شبکه جاده‌ها به قدری زیادی بود که برای ایجاد یک شهر کامل با تمام زیربنا و جمعیت ۳۰ هزار نفری کافی بود. اکنون هم پول زیادی صرف موشکهای راهبردی می‌شود. به‌عنوان مثال، برای «توپول» دهها میلیون روبل لازم است.

می‌دانید چرا نیکیتا خروشچف در جریان بحران کارائیب با کشف خود به تریبون سازمان ملل می‌گوید؟ می‌گویید و نمی‌ترسید؟ او می‌دانست که نیروهای موشکی در اورال که هر لحظه حاضرند دستور او را اجرا کنند، آمریکا را نشانه رفته‌اند. راستی، یکی از هنگهای این یگان بزرگ ارتشی کمی زودتر از آن به اوکراین منتقل شده بود که نفرت آن به صورت ملوانان غیرنظامی موشکها را به کوبا منتقل کرده بودند. حالت آماده باش در سال ۱۹۶۸ اعلام شد. بعد از آنکه به پایتخت کشور خبر دادند که نفرت نیروی موشکی «کنار دگمه‌ها» نشسته‌اند، نیروهای پیمان ورشو وارد چکسلواکی شدند. یک سال بعد در جریان کشمکشهای مرزی با چینی‌ها دوباره حالت آماده‌باش اعلام شد. در آن زمان افسران نیروی موشکی نه تنها «کشور گیرنده» این تحفه هسته‌ای بلکه شهرها و نقاط جغرافیای مشخص دیگر را می‌دانستند.

نیژنی تاگیل را می‌توان شهر فضایی محسوب کرد. در نزدیکی آن بیش از ۱۵ موشک بالستیکی به مدار فضایی پرتاب شدند که زود به زمین نشستند. آن پرتابها آزمایشی بودند و هدف آنها، اصابت به میدان آزمایشی ویژه در کامچاتکا بود. از استعدادهای موشک قاره‌پیما



برای رسیدن به هدف از طریق فضای کیهانی، برای اهداف غیرنظامی نیز استفاده می‌شود. به‌عنوان مثال، در میدان فضایی «پلستسک» از موشکهای توپول به عنوان موشک حمل‌کننده ماهواره استفاده شد.

انتخاب نسل جدید

هم اکنون نسل سوم موشکها در این لشکر مستقر است. اکنون دیگر از چاههای مخصوص برای استقرار موشکها استفاده نمی‌کنند و مطابق با قراردادهای منعقد شده با آمریکا، خود چاهها با تمام دستگاههای ارزنده آنها منفجر شدند. ویرانه‌های آنها همه جا به چشم می‌خورند. حیفت است که مواد ارزنده‌ای بی‌نتیجه به هدر می‌روند. تجار مختلف می‌خواستند رؤسای نیروی موشکی را متقاعد کنند که به آنها اجازه استخراج فلزات رنگین از چاههای سابق موشکی را بدهند. می‌گویند که چندین تن آهن‌پاره ارزنده می‌توانست همه هزینه‌ها را جبران کند، ولی انجام این کار مطابق با قراردادهای روسیه با آمریکا ممنوع است و این در حالی است که نیروی موشکی راهبردی همانند تمام ارتش به پول نیاز دارد.

در سال ۱۹۸۵ به جای موشکهای منسوخ «پیونر» موشکهای جدید «توپول» نصب شدند که به صورت واگنهایی که به ظاهر به واگنهای یخچال شباهت داشتند، به این واحد نظامی آورده می‌شدند. لشکر اورال اولین لشگری بود که مجتمع جدید موشکی را پذیرفته و آزمایش آن را شروع کرد. طراحان اسلحه مرتباً مهمان نیژنی تاگیل می‌شدند. موشکهای سیار مدرن‌تر از موشکهای مستقر در چاههای عمیق زیرزمینی محسوب می‌شوند. نظارت دائم بر موقعیت «توپول‌ها» کار ساده‌ای نیست. آنها مرتباً در حال رفت‌وآمد هستند و عرصه تردد آنها به منطقه سوردلوفسک محدود نمی‌شود. آنها می‌توانند هم در جاده‌های بزرگ عمومی و هم در راههای جنگلی پیدا شوند.

موشکها به برکت سیستم هوانوردی رایانه‌ای می‌توانند هر موقعی و از هر نقطه‌ای پرواز کنند: چه بر اثر اقدامات نفرات و چه به‌طور مستقل به وسیله فشار یک دگمه در مسکو.

«توپول» فوراً سرعت اول فضایی را کسب می‌کند و از مدار زمین ضمن افزایش سرعت به وسیله موتوری که در آن نصب شده است، به سوی هدف پرواز می‌کند. این موشک به خاطر سرعت بالایی که دارد، از سوی سیستم‌های زمینی پدافند ضد موشکی آسیب‌ناپذیر است. معلوم است که در جنگ‌های اורال اسلحه پیچیده‌ای نگهداری می‌شود.

«توپولهای» که در جهات مختلف رفت و آمد می‌کنند، نمی‌توانند راه خود را گم کنند. راننده هر ماشین حمل‌کننده، جلوی خود صفحه رایانه‌ای با نقشه دارد که بر روی آن همه مراحل جابجایی‌های موشک منعکس می‌شود. به برکت وجود ۱۴ چرخ بزرگ، فشار بر خاک از فشار چرخ‌های ماشین سواری «لادا» کمتر است. به همین دلیل این خودرو حمل‌کننده می‌تواند از باطلاق، مزرعه شخم‌خورده و رودخانه نه چندان عمیق رد شود. خود موشک چندان سنگین نیست. طبق برآوردهای معینی برای رساندن یک کیلو «بار مفید» به هدف، یک تن سوخت خشک لازم است. معلوم است که ضخامت دیواره‌های موشک نمی‌تواند بیش از حد معینی افزایش یابد، به همین دلیل موشک‌های قاره‌پیمای روسی و آمریکایی شکننده محسوب می‌شوند و در برابر تأثیر بیرونی آسیب‌پذیرند.

همراه با موشک سه خودرو بزرگ دیگر رفت و آمد می‌کنند. در این خودروها اطاق غذاخوری و مسکن، بخش ارتباطات و بخش اداری مستقر هستند که این سیستمها به‌طور مستقل عمل می‌کنند. طبیعتاً سیستم محافظت نیز پیش‌بینی شده است که هرازگاهی تقویت می‌شود. به‌عنوان مثال، در جریان جنگ در چین هلیکوپترهای حامل گروه‌های ضد تروریستی «توپولها» را همراهی می‌کردند. نیروهای ویژه در طول مسیر احتمالی و در اطراف آن حرکت می‌کنند. اکنون اسلحه هسته‌ای تنها وسیله بازدارندگی نیست. در حقیقت با توجه به عملیات جنگی ناتو در یوگسلاوی، «توپول» آخرین امید ماست. این موشکها فعلاً در پاسداری از میهن به خوبی خدمت می‌کنند و هنوز زود است که آنها را به آهن‌پاره تبدیل کنیم. ولادیمیر روتسوف